



<https://jas.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Applied Sociology

E-ISSN: 2322-343X

Vol. 36, Issue 2, No.98, 2025, pp 133-148

Received: 22.12.2024 Accepted: 07.04.2025

Research Paper

Factors Affecting the Ideals of Childbearing among Young People within Iranian Ethnic Groups

Zahra Ghorbani* 

Assistant professor of Sociology, Department of Sociology, Faculty of Humanities, University of Arak, Arak, Iran
z-ghorbani@araku.ac.ir

Mohammad Aghasi

Ph.D. in Sociology, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran
mohammad.aghasi61@gmail.com

Introduction

Ethnicity significantly influences childbearing behavior and is a key focus in fertility studies within multiethnic societies. Given Iran's diverse ethnic composition, it is crucial to explore the relationship between ethnicity and fertility. One important indicator for predicting future trends in childbearing is the ideal number of children, which can be assessed through surveys that examine individual attitudes. To understand changes in the family sphere, particularly regarding childbearing, it is essential to investigate the attitudes of younger age groups, who represent the primary demographic for future fertility trends. The values and beliefs of young people about childbearing and family formation are critical indicators of the current desire to establish families and have children in Iranian society. Additionally, shifts in the values and attitudes of the youth may evolve into the prevailing social norms surrounding childbearing in the future. Therefore, understanding the perspectives of young age groups on this issue is of utmost importance.

Materials & Methods

This study employed secondary analysis of data from the second wave of the National Survey of Youth Attitudes toward Marriage and Family Formation, which was conducted in 2019 by using questionnaires and face-to-face interviews. The target population for this project included single youth aged 18 to 34 years across the country during that year. A multi-stage cluster sampling method was utilized to survey a sample of 3,021 individuals. The sampling plan was designed to categorize the provinces into 7 clusters based on the variable of "ethnicity". The sample was then distributed among 13 provinces in proportion to the population size of each cluster relative to the total statistical population of the country. In addition to the provincial capitals, two cities and two villages were selected for sampling within each province. The distribution of the sample among cities and villages was proportionate to the overall sample size for each province, as well as the respective sizes of the cities and villages. Data collection occurred in key streets and squares of both cities and villages. Descriptive statistics and Poisson regression analysis were

employed to analyze the data, which were processed using SPSS software.

Discussion of Results & Conclusion

The research findings indicated that, in 2019, the desire to remain childless among single individuals aged 18 to 34 years in the Fars ethnic group was 2.4% higher than in other ethnic groups. The preference for having two children was the most common, with approximately 47% of young people expressing this desire. Around 4% wished to be childless, 26% preferred having one child, and 23% desired three or more children. The Baluch ethnic group reported the highest average ideal number of children at 2.45 followed by the Lor ethnic group at 2.08 and the Kurdish ethnic group at 2.01, with all averages indicating a preference for more than two children. A bivariate statistical test comparing the ideal number of children across ethnicities at a significance level of 0.0005 revealed significant differences among the groups. Furthermore, employment status and religiosity emerged as important factors influencing young people's ideals regarding children. Ethnicity, as a social and cultural construct, plays a crucial role in shaping childbearing behaviors. Thus,

* Corresponding author

Ghorbani, Z., & Aghasi, M. (2025). factors affecting the ideals of childbearing among young people within Iranian ethnic groups. *Journal of Applied Sociology*, 36(2), 133-148. <https://doi.org/10.22108/jas.2025.143755.2591>



acknowledging the influence of ethnicity is vital for developing effective youth policies in the country. To address the evolving values and attitudes of those of childbearing age, it is recommended that policies be implemented to foster a culture that values children within the family. Suggested initiatives include family-oriented education in schools and universities, cultural promotion through mass media,

providing counseling services for young couples, reinforcing religious values related to family, and introducing indicators of an ideal family that can serve as a model for youth.

Keywords: Childbearing, Ideal, Ethnicity, Attitude, Religiosity.



مقاله پژوهشی

عوامل مؤثر بر ایدئال‌های فرزندآوری جوانان گروه‌های قومی ایران

زهرا قربانی *، استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

z-ghorbani@araku.ac.ir

محمد آقاسی، دکتری گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

mohammadaghahi61@gmail.com

چکیده

قومیت به عنوان یکی از زمینه‌های فرهنگی که رفتار فرزندآوری در آن شکل می‌گیرد، جایگاه اساسی در مطالعات باروری در جوامع چندقومیتی نظیر ایران دارد. این مطالعه با هدف بررسی نگرش جوانان گروه‌های قومی ایران به فرزندآوری در سال ۱۳۹۸ و با تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ملی نگرش جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده به تبیین موضوع پرداخته است. جامعه آماری شامل جوانان ۱۸ تا ۳۴ سال مجرد کشور در سال ۱۳۹۸ بوده و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، با نمونه‌ای با حجم ۳۰۲۱ نفر مصاحبه شده است. بیشتر جوانان ایرانی ۱۸ تا ۳۴ ساله تمایل زیادی به ایدئال دوفرزندگی (۴۷/۱ درصد) دارند. در میان گروه‌های قومی مختلف در ایران، جوانان بلوچی با میانگین تعداد ایدئال ۲/۴۵ فرزند، بیشترین تمایل به فرزندآوری و جوانان ترک با میانگین تعداد ایدئال ۱/۷۷ فرزند کمترین تمایل به فرزندآوری را داشته‌اند. تفاوت معناداری در ایدئال‌های فرزندآوری جوانان فارس با جوانان ترک و بلوچ دیده می‌شود و وضعیت شغلی و میزان دینداری از متغیرهای مهمی هستند که بر ایدئال‌های فرزندآوری جوانان اثرگذار هستند؛ بنابراین، قومیت به عنوان سازه‌ای اجتماعی و فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری رفتارهای فرزندآوری در سیاست‌های جوانی جمعیت در کشور خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: ایدئال فرزندآوری، قومیت، نگرش، دینداری، میزان شادمانی، رضایت از زندگی

* نویسنده مسؤول:

قربانی، زهرا و آقاسی، محمد. (۱۴۰۴). عوامل مؤثر بر ایدئال‌های فرزندآوری جوانان گروه‌های قومی ایران. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۶(۲)، ۱۳۳-۱۴۸.

<https://doi.org/10.22108/jas.2025.143755.2591>



مقدمه و بیان مسئله

کاهش باروری و باروری پایین پدیده‌ای جهانی است که ابتدا کشورهای توسعه‌یافته آن را تجربه کرده‌اند و امروزه بیشتر کشورهای در حال توسعه آن را تجربه می‌کنند. روندهای باروری به‌طور هم‌زمان در همهٔ زمینه‌های جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دچار تغییر شده است؛ از این رو، پدیدهٔ فرزندآوری را باید از طریق مکانیسم‌های جامعه‌شناختی، جمعیت‌شناختی و اقتصادی تبیین کرد (Lutz & Skirbekk, 2005). جمعیت همانند بسیاری از پدیده‌های اجتماعی، متأثر از عوامل گوناگونی است که هرکدام فراز و نشیب‌هایی را برای جامعه تولید می‌کنند. در این میان نقش فرهنگ و ساختارهای فرهنگی از اهمیت زیادی برخوردار است (اینگلهارت، ۱۳۷۳). عناصر فرهنگی همچون سطح سواد و تحصیلات، دین و مذهب، قومیت، تغییرات هویتی و نگرشی در تمایلات فرزندآوری افراد مؤثر هستند (Van de Kaa, 2001). قومیت به‌عنوان یکی از زمینه‌هایی که رفتار فرزندآوری در آن شکل می‌گیرد، جایگاه اساسی در مطالعات باروری در جوامع چندقومیتی دارد. از آنجایی که کشور ایران ساختاری چندقومیتی دارد، اهمیت بررسی ارتباط میان قومیت و باروری ضروری است (عباسی شوازی و دیگران، ۱۳۹۷: ۵۳). اگر در جامعهٔ جدید، بنیاد تصمیم‌ها را فرهنگی بنگریم، سیاستی مؤثر خواهد بود که به مقوله‌های فرهنگی توجه کند. همچنین در این توجه به مقوله‌ها تعدد فرهنگ‌ها یعنی وجود چندین قوم، ذیل فرهنگ ملی، در تبیین وضعیت جمعیتی ایران مؤثر خواهد بود (ساویدان، ۱۴۰۱).

یکی از شاخص‌های مهم در پیش‌بینی تحولات آیندهٔ فرزندآوری در جوامع، رصد تعداد ایدئال فرزندان است که از طریق مطالعهٔ نگرش‌های افراد در پیمایش‌های نگرش‌سنجی محقق می‌شود. در بررسی تغییر و تحولات حوزهٔ خانواده و بالاخص فرزندآوری، مطالعهٔ نگرش گروه‌های سنی جوان به‌عنوان مخاطبان اصلی تحول در آیندهٔ باروری کشور حائز اهمیت است. نگرش‌ها و کنش‌های جوانان بیش از هر گروه سنی دیگر بر کم و کیف وضعیت خانواده و فرزندآوری در جامعه اثرگذار است. موضع‌گیری‌های ارزشی جوانان دربارهٔ

مقولهٔ فرزندآوری و تشکیل خانواده می‌تواند یکی از عوامل مهم مبین وضعیت کنونی تمایل به تشکیل خانواده و فرزندآوری در جامعه ایران باشد. از سوی دیگر این امکان وجود دارد که دگرذیسی‌های ارزشی و نگرشی رایج در میان جوانان دربارهٔ مقوله فرزندآوری، در آینده به ارزش‌ها و نگرش‌های غالب جامعه در این حوزه تبدیل شوند؛ این‌رو شناسایی نگرش‌های گروه سنی جوان در این خصوص از اولویت و اهمیت فراوانی برخوردار است. باتوجه‌به تغییرات باروری در طول سه دههٔ گذشته در ایران، لازم است عواملی شناسایی شوند که بر رفتارها، ایدئال‌ها و تمایلات برای داشتن فرزند تأثیر می‌گذارند و آنها را مبنای سیاست‌گذاری جمعیتی قرار داد (Abbasi-Shavazi et al., 2009).

رویکردهای متفاوتی مانند ارزش کودکان، انتخاب عقلانی و ابزاری، نظام درآمد، نظام قیمت‌ها و ارزش‌ها، تجربه‌های کودکی والدین، فرهنگ، قومیت و مذهب بر رفتارهای فرزندآوری افراد مؤثر هستند (منصوریان، ۱۳۸۰: ۴۸-۲۵؛ حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹؛ ادیبی سده و همکاران، ۱۳۹۰) و فرزندآوری اتفاقی نیست که در خلأ رخ دهد، بلکه در بستر خانواده و جامعه شکل می‌گیرد (بهمش و تقی‌زاده، ۱۳۹۴). از آنجایی که کشور ما پتانسیل‌های قومیتی، فرهنگی و مذهبی متنوعی را داراست و سطوح باروری بین استان‌ها نیز متفاوت است، بنابراین لازم است تا رفتارهای باروری در نقاط مختلف کشور و در فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف و دلایل واقعی آنها شناسایی شود تا برنامه‌ریزی‌های جمعیتی در جلوگیری از تداوم کاهش باروری به زیر سطح جانشینی مؤثر واقع شوند.

از این‌رو تحقیق حاضر با استفاده از تحلیل ثانویهٔ داده‌های موج دوم پیمایش ملی نگرش جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده در سال ۱۳۹۸ و با هدف شناسایی علل و عوامل مؤثر بر تغییر نگرش جوانان به فرزندآوری در گروه‌های قومی به دنبال پاسخ به این پرسش است که ایدئال‌های فرزندآوری جوانان ۱۸ تا ۳۴ ساله در گروه‌های قومی مختلف به چه صورت است و چه عواملی بر ایدئال‌های فرزندآوری جوانان در گروه‌های قومی مؤثرند.

چارچوب نظری

تبیین اینکه مردم در حوزه باروری چه باوری دارند و چگونه رفتار می‌کنند، نیازمند استفاده و بهره‌مندی از نظریات مختلفی است که به تبیین تحولات فرهنگی، ارزشی و نگرشی بر فرزندآوری اشاره دارند. از میان این تئوری‌ها می‌توان به رویکردهای نظری اشاره کرد که در آن تغییرات ترجیحات فرزندآوری نقش مهمی را در بیشتر تئوری‌های کاهش باروری ایفا می‌کنند (Van de Kaa, 2001; Lesthaeghe & Surkyn, 1988). تئوری انتقال دوم جمعیتی یکی از این نظریات است و تحولاتی را توضیح می‌دهد که در شکل خانواده رخ داده و تغییراتی که ناشی از کاهش ناگهانی باروری در اروپای غربی است. در اروپای غربی از دهه ۱۹۶۰ تحولاتی در نظام‌های ارزشی ایجاد شد که منجر به تغییراتی در رفتارهای فرزندآوری افراد و بالاخص زنان شد؛ به گونه‌ای که فقط زمانی باردار می‌شوند که می‌خواهند و فقط در صورتی دوره بارداری را به طور کامل طی می‌کنند که تولد بچه برایشان مطلوب باشد (Van de Kaa, 2001: 24).

از دیگر رویکردهایی که تحولات فرهنگی و ارزشی را در جوامع بررسی می‌کند، ایدئالیسم توسعه‌ای است. سیستم ارزشی و اعتقادی است که نگرش‌های اجتماعی و خانوادگی مدرن را بهتر از نگرش‌های سنتی معرفی می‌کند و معتقد است جوامع مدرن، خانواده‌ی مدرن را تولید می‌کنند و این خانواده‌ی مدرن، آزادی و برابری در حقوق بشر را ایجاد می‌کند. ایدئالیسم توسعه‌ای، زندگی و سیستم‌های اجتماعی را تغییر می‌دهد و منجر به ایجاد سیاست‌گذاری‌هایی می‌شود که افراد را در معرض اهداف و روش‌های جدید و مدرن قرار می‌دهد. باورها و ارزش‌هایی شامل فردگرایی، استقلال بین‌نسلی، تک‌همسری، تأخیر در ازدواج، نگرش‌های برابری جنسیتی، تمایل به باروری پایین و تنظیم‌شده را ترویج می‌دهند که خوب هستند و باید برای آنها تلاش شود (Thornton et al., 2012: 23).

رویکرد دیگر، تئوری اشاعه است که در آن کله‌لند و

ویلسون^۱ (1987) تئوری‌های اقتصاد باروری را نقد می‌کنند و نشان می‌دهند که والدین همواره تصمیمات خود درباره فرزندآوری را بر مبنای محاسبات اقتصادی انجام نمی‌دهند، بلکه عوامل فرهنگی و ارزشی را در تغییر ایدئال‌ها و ترجیحات خانواده‌ها عامل مهم در تبیین تحولات باروری دانستند و معتقدند که اگرچه عوامل مدرنیته و اقتصادی ممکن است در توضیح تفاوت‌های باروری در منطقه‌ای مؤثر باشند، توجه به فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌های هر جمعیتی در مطالعه انتقال جمعیتی حائز اهمیت است (Cleland & Wilson, 1987).

نظریه دگرگونی ارزشی اینگلهارت^۲ نشان می‌دهد که در فرایند جهانی‌شدن شاهد انتقال از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی هستیم؛ یعنی هر جامعه‌ای که از شرایط ناامنی اقتصادی به سمت امنیت اقتصادی حرکت کرده باشد، شاهد این جابه‌جایی ارزش‌ها خواهد بود؛ از این رو، این نظریه به وضوح به رابطه میان توسعه اقتصادی و تحولات فرهنگی و ارزشی اشاره می‌کند. اینگلهارت معتقد است که گروه‌های سنی جوان‌تر از گروه‌های سنی مسن‌تر در سطوح بالاتری به دنبال ارزش‌های فرامادی گرایانه هستند و همین امر منجر می‌شود تا با جایگزینی نسل‌های جدید و جوان شاهد تحولات اساسی در فرهنگ و ارزش‌ها باشیم (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۹۵).

از دیگر تئوری‌های تبیین‌کننده رفتارهای فرزندآوری می‌توان به تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده آجزن^۳ اشاره کرد که بر جنبه‌های کنترلی از رفتار انسان مثل قضاوت و تصمیم‌گیری‌های مختلف در زندگی تمرکز دارد؛ براساس این تئوری اطلاعات ذهنی در شکل باورها، ارزش‌ها و هنجارها منجر به تشکیل مقاصد و تصمیم‌گیری‌ها در زندگی می‌شوند و رفتارها را رقم می‌زنند. در این حالت است که تصمیم به داشتن یا نداشتن فرزند، منطقی در نظر گرفته می‌شود. درواقع تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده نشان می‌دهد که عوامل زمینه‌ای

¹ Cleland & Wilson

² Inglehart

³ Ajzen

پیشینه پژوهش

تمایلات فرزندآوری افراد در میان گروه‌های سنی مختلف متفاوت است. هرچه سن افزایش می‌یابد، تعداد مطلوب فرزندان بیشتر می‌شود؛ اما یافته‌ها حاکی از آن است که در فاصله بین دهه ۸۰ و ۹۰ نگرش جوانان به ایدئال فرزندان روندی افزایشی داشته است (قربانی، ۱۴۰۱: ۶۶).

شمس و دیگران (۱۴۰۱) نشان می‌دهند که بیم و هراس‌های اقتصادی، آینده‌هراسی، مسئولیت اجتماعی و دغدغه‌های انباشته، تصمیم به فرزندآوری را درگیر محاسبات مبتنی بر عقلانیت می‌کند. ایدئال‌های باروری بازتاب انگیزه‌های فردی، نگرش‌ها و باورهای افراد درخصوص شمار فرزندان ایدئال افراد و خانواده‌هاست. براساس ایدئال‌ها، ترجیحات مردم برای فرزندآوری پیش‌بینی می‌شود (Saskia et al., 2011: 131-156). تحقیقات نشان می‌دهد که باروری مشاهده‌شده همواره کمتر از بعد خانوار ایدئال است. همین گویای این واقعیت است که آنها در تحقق ایدئال‌های باروری‌شان با موانعی مواجه هستند. با شناخت ایدئال‌های فرزندآوری می‌توان خصوصیات ویژه فرهنگ‌های فرزندآوری در جوامع مختلف را شناسایی کرد (Bongaarts, 2001: 207). بگی نشان داد که تمایلات فرزندآوری افراد، برحسب قومیت متفاوت است. بلوچ‌ها و عرب‌ها کمترین میزان بی‌فرزندگی را خواستارند. همچنین تمایل به تک‌فرزندگی نیز در بین شمالی‌ها بیشتر از سایر اقوام بوده است و بلوچ‌ها کمترین تمایل به تک‌فرزندگی را داشتند. ترک‌ها نیز بیش از سایرین خواستار داشتن دو فرزند بودند و تمایل به داشتن سه فرزند و بیشتر در بین بلوچ‌ها بیش از دیگر گروه‌های قومی بود و اختلاف زیادی بین آنها وجود داشت. مهم‌ترین دلایل قصد بی‌فرزندگی، هزینه‌های اقتصادی فرزندان و عدم علاقه به فرزند عنوان شده است (بگی، ۱۴۰۰: ۷۹-۶۹). اسپیدر و همکاران^۲ در مطالعه خود نشان دادند که افزایش هزینه‌های زندگی و معیشت حتی در طبقه متوسط، شرایط فرزندآوری را سخت‌تر کرده است

مانند میزان رضایت از زندگی، میزان شادی، مذهبی بودن، سن، رتبهٔ مولید، وضع مسکن، درآمد و تحصیلات بر مقاصد و نیات فرزندآوری اثرگذار خواهند بود (Ajzen, 1991: 2005). کافمن و اسکایربک^۱ (2012) در بررسی تحولات فرزندآوری گروه‌های قومی بر این نظر هستند که مجموعه‌ای از شرایط اجتماعی و اقتصادی درکنار قومیت به‌عنوان عنصر ثانویه در تبیین رفتارهای فرزندآوری مؤثر هستند؛ بنابراین، در مطالعه حاضر سعی شده است تا در تبیین عوامل اثرگذار بر تعداد ایدئال فرزندان تعادل برقرار کرده و علاوه بر بهره‌مندی از رویکردهای ساختاری و نحوهٔ اثرگذاری آنان بر ایدئال‌های فرزندآوری براساس نظریات و شواهد تجربی موجود، عوامل فرهنگی و ارزشی را مدنظر قرار دهد که نقش تعیین‌کننده‌ای در مناسبات رفتاری جوامع کنونی دارند؛ ازاین‌رو به دنبال اثبات فرضیات زیر است:

- تعداد ایدئال فرزندان در میان جوانان تابعی از تعلقات قومی است؛ یعنی گروه‌های گوناگون دارای ترجیحات فرزندآوری متفاوت هستند؛
- تعداد ایدئال فرزند در میان جوانان گروه‌های قومی تابعی از میزان تحصیلات، وضع فعالیت، محل سکونت و مذهب است؛ یعنی جوانان با تحصیلات بالاتر، تعداد ایدئال فرزندان کمتری دارند. در بین جوانان اهل سنت ایدئال‌های فرزندآوری بیشتر از شیعه است. جوانان شاغل تعداد ایدئال فرزندان بالاتری از غیرشاغلان دارند و جوانان روستایی تعداد ایدئال فرزندانشان بیشتر از جوانان شهری است؛
- جوانان گروه‌های قومی با سطح دینداری بالاتر، تعداد ایدئال فرزندان بالاتری دارند؛
- جوانان گروه‌های قومی با میزان رضایت از زندگی بالاتر، تعداد ایدئال فرزندان بالاتری از بقیه جوانان دارند؛
- جوانان گروه‌های قومی با میزان احساس شادمانی بیشتر، تعداد ایدئال فرزندان بالاتری از بقیه جوانان دارند.

¹ Kaufman & Skirbekk

² Speder et al.

(Speder et al., 2020: 39-54). علی‌دوستی و همکاران نشان دادند که بین تحصیلات و وضع فعالیت و تمایل به فرزندآوری رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد (علی‌دوستی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۷۴-۱۴۳). مکوندی و همکاران در بررسی خود نشان دادند که سطح تحصیلات مادران در خانواده‌های تک‌فرزند بالاتر از خانواده‌های چندفرزند است. مشکلات اقتصادی از عوامل اثرگذار بر فرزندآوری است و تحصیلات و منزلت شغلی با تعداد فرزندان رابطه معنادار و معکوس دارد. این تحقیق نشان می‌دهد که باروری متأثر از انتخاب‌های فردی و نیز متأثر از ارزش‌ها، فرهنگ و هنجارهای اجتماعی است (مکوندی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۸۵-۳۹۳). عباسی و دیگران نشان دادند که باوجود اینکه ۸۱٪ درصد از ایرانیان دو فرزند را ایدئال می‌دانند، در حدود ۴۳ درصد نیز سه‌فرزندی و بیشتر را ایدئال دانسته‌اند و متغیرهایی همچون میزان برابری جنسیتی و میزان دینداری بیشترین تأثیر را بر ایدئال‌های فرزندآوری ایرانیان داشته‌اند (عباسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۶-۳۷).

صادقی و فراش (۱۳۹۸) نشان می‌دهند ارزش داشتن فرزند زیاد (سه فرزند و بیشتر) در بین کردها بیشتر از ترک‌ها می‌باشد. در بین زنان هر دو گروه قومی هنوز ترجیح جنسی فرزند پسر وجود دارد، اما این ترجیح در بین زنان کرد بیشتر از زنان ترک می‌باشد. نتایج تحلیل چندمتغیره، تأثیر مستقل قومیت بر میزان ترجیح جنسی و ارزش‌گذاری فرزندان را نشان می‌دهد. از این رو، با وجود کنترل اثر متغیرهای جمعیتی، قومیت همچنان تأثیر معنی‌داری بر ترجیح جنسی و ارزش‌گذاری فرزندان دارد و رفتارهای باروری زنان از زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی جامعه تأثیر می‌پذیرد (صادقی و فراش، ۱۳۹۸: ۱۴۰-۱۳۱).

کول و هانمن^۱ در تحقیقات خود نشان دادند که عوامل فرهنگی باعث افزایش باروری در میان گروه‌های قومی در بریتانیا می‌شوند؛ درحالی‌که به نظر می‌رسد نقش آموزش و اشتغال جزئی باشد (Kulu & Hannemann, 2016: 1441-1488).

آدیوال^۲ در مقاله‌ای با عنوان تفاوت‌های قومی در باروری و تعیین‌کننده‌های آن در نیجریه معتقد است که سیاست‌ها و استراتژی‌های کاهش باروری باید تمرکز خود را بر بهبود تحصیلات زنان در نیجریه قرار دهند و توجه به متغیر قومیت نقش مهمی در سیاست‌های کاهش باروری خواهد داشت (Adebowale, 2019). کاسترو و پارادو^۳ نشان دادند که زنان اسپانیایی‌تبار متولد خارج از آمریکا در مقایسه با زنان اسپانیایی‌تبار بومی آمریکا در اولین سال ورود به این کشور به احتمال بیشتری اولین فرزندشان را به دنیا خواهند آورد. این به این معنی است که نرخ باروری ویژه سنی زنان متولد خارج از آمریکا در مقایسه با متولدین بومی بالاتر است (Castro & Parrado, 2021). کافمن و اسکایربک^۴ معتقدند متغیرهایی مانند مذهب و قومیت نقشی تعیین‌کننده دارند. آنچه بیش از همه باعث پیدایش الگوهای متفاوت فرزندآوری گروه‌های قومی و مذهبی می‌شود، ویژگی‌ها و خصایص اقتصادی و اجتماعی آنهاست (Kaufman & Skirbekk, 2012: 121-149). تحقیق میلر و همکاران^۵ بر روی ۵۰۰۰ نفر از زنان باردار در ایالات متحده نشان می‌دهد که الگوی واحدی درخصوص تمایلات فرزندآوری آنان وجود ندارد؛ زیرا تمایلات فرزندآوری آنان متأثر از عواملی چون سطح درآمد، تحصیلات، تعلق قومی و نژادی آنان است (Miller et al., 2016: 203-242).

بسیاری از تحقیقات رابطه میان عوامل ساختاری (تحصیلات، اشتغال و شرایط اقتصادی) را بر رفتارهای فرزندآوری مطالعه کرده‌اند. تعدادی از محققان از مقاصد و نیات فرزندآوری به‌عنوان عوامل تقریبی برای تبیین رفتارهای واقعی فرزندآوری استفاده می‌کنند و عواملی را بررسی می‌کنند که بر ایجاد یا تغییر مقاصد و نیات فرزندآوری اثرگذارند (Speder & Kapitany, 2009; Morgan & Rackin, 2010; Iacovou & Tavares, 2011). عده‌ای به فاصله میان باروری واقعی و ایدئال به‌عنوان یکی از دلایل کاهش باروری پرداخته‌اند (Morgan & Taylor, 2011).

² Adebowale³ Castro & Parrado⁴ Kaufman & Skirbekk⁵ Miller et al.¹ Kulu & Hannemann

2006) و تحقیقات دیگری که ترجیحات فرزندآوری را از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم برای باروری واقعی می‌دانند (Berrington, 1999; Schoen et al., 2004).

بیشتر تحقیقاتی که به ایدئال‌های باروری توجه کرده‌اند، بیشتر ایدئال‌های فرزندآوری زنان را مطالعه کرده‌اند و کمتر مطالعه‌ای به علل و عواملی اشاره کرده است که ریشه فرهنگی دارد؛ از این رو، این تحقیق علاوه بر اینکه در سطح ملی به ایدئال‌های فرزندآوری در گروه‌های مختلف جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی می‌پردازد، همچنین سهم و اثر متغیرهای فرهنگی و ارزشی همچون قومیت، میزان دینداری، میزان رضایت از زندگی و میزان شادی را، که کمتر به آنها توجه شده است، بر ایدئال‌های فرزندآوری مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد؛ زیرا به نظر می‌رسد در بسترهای اقتصادی-اجتماعی کنونی جامعه ایرانی، تحولات فرهنگی و ارزشی سهم بالایی را در تحولات فرزندآوری ایرانیان ایفا می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق تحلیل ثانویه داده‌های موج دوم پیمایش ملی نگرش جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده است که در سال ۱۳۹۸ با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه و مصاحبه حضوری صورت گرفته است. جامعه آماری طرح مذکور، شامل جوانان ۱۸ تا ۳۴ سال مجرد کشور در همان سال بوده است و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، از نمونه‌ای با حجم ۳۰۲۱ نفر پرسشگری انجام گرفت. تلاش شده است تا برای حفظ معرف بودن نمونه، برای شیوه انتخاب استان‌ها در هر خوشه از اطلاعات سرشماری ۱۳۹۵ استفاده شود و براساس متغیرهای مرتبط با پژوهش، استان‌های همگن از حیث اطلاعات در یک خوشه قرار گیرند. طرح فنی نمونه‌گیری به صورتی طراحی شد تا استان‌های مطالعه‌شده به‌گونه‌ای باشند که به لحاظ متغیر «قومیت» امکان تقسیم‌بندی به ۷ خوشه وجود داشته باشد. با در نظر گرفتن معیارهای جغرافیایی و قومیتی از داخل هر خوشه یک یا چند استان

انتخاب شدند. اسامی استان‌های نمونه عبارت است از: سیستان و بلوچستان، خوزستان، لرستان، کرمان، گلستان، بوشهر، کردستان، آذربایجان شرقی، اصفهان، خراسان رضوی، قم، گیلان و تهران. نمونه در بین ۱۳ استان براساس نسبت جمعیت خوشه مدنظر به کل جامعه آماری سراسر کشور توزیع می‌شود. در هر استان هم علاوه بر مرکز استان، دو شهر و روستای آن استان نمونه‌گیری شده است. متناسب با حجم نمونه هر استان و حجم شهر و روستاهای هر استان نمونه بین شهرها و روستاها توزیع شده است. پرسشگری در معابر و میدان‌های مهم شهرها و روستاها انجام شده است. از مجموع ۳۰۲۱ نفر پاسخ‌گویان این پژوهش، حدود نیمی از آنها، ۵۰/۳ درصد مرد و نیمی دیگر ۴۹/۷ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. میانگین سنی پاسخ‌گویان ۲۶/۳ سال بوده است. ۳۳/۵ درصد آنها تحصیلاتشان در سطح دبیرستان و دیپلم بوده است. همچنین ۴۶/۸ درصد از پاسخ‌گویان افراد شاغل بوده‌اند، ۲۳/۲ درصد آنها محصل یا دانشجو و ۲۷/۱ درصد نیز بیکار بوده‌اند. نزدیک به نیمی از پاسخ‌گویان (۴۷/۵ درصد) فارس بوده‌اند، ۱۶/۶ درصد ترک و ۸/۱ درصد کرد هستند. متغیر اصلی و وابسته تحقیق، تعداد ایدئال فرزندان از منظر جوانان است. نظر بیش از نیمی از پاسخ‌گویان (۴۷/۱ درصد) دو فرزند را برای یک خانواده مناسب می‌دانند. ۲۸/۸ درصد پاسخ‌گویان معتقدند که داشتن یک فرزند برای هر خانواده کافی و مناسب است و ۳/۹ درصد از پاسخ‌گویان معتقد هستند که داشتن فرزند لزومی ندارد و بهتر است خانواده‌ها اصلاً فرزندی نداشته باشند. میانگین تعداد مطلوب از نظر پاسخ‌گویان ۲ فرزند بوده است. متغیرهای میزان رضایت از زندگی و میزان شادی هریک با یک سؤال از صفر تا ۱۰ نمره‌گذاری شده و از پاسخ‌گو پرسیده شده است که با کدگذاری مجدد به سه طبقه کم و متوسط و زیاد تبدیل و سنجش شده است. متغیر میزان دینداری شاخصی ترکیبی است که از هفت گویه ساخته شده و با کدگذاری مجدد به سه طبقه کم و متوسط و زیاد تبدیل شده است. برای تحلیل داده‌ها از آمارهای توصیفی و تحلیل

رگرسیون پواسون متناسب با سطح سنجش داده‌ها استفاده شده است که به کمک نرم‌افزار spss محاسبه و تحلیل شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

جدول (۱) نشان می‌دهد که تمایل به بی‌فرزندگی در سال ۱۳۹۸ در میان مجردین ۱۸ تا ۳۴ ساله گروه قومیتی فارس با ۲/۴ درصد بالاتر از بقیه گروه‌های قومی است. بالاترین میزان تمایل با تقریباً ۴۷ درصد در میان جوانان متعلق به دوفرزندگی

است. تمایل جوانان به بی‌فرزندگی در حدود ۴ درصد، به تک‌فرزندگی در حدود ۲۶ درصد و به سه‌فرزندگی و بیشتر در حدود ۲۳ درصد است. بیشترین میانگین ایدئال فرزندآوری متعلق به قومیت بلوچ با ۲/۴۵ فرزند است. سپس قوم لر با ۲/۰۸ و قوم کرد با ۲/۰۱ فرزند، میانگین بالای دوفرزندگی را ایدئال می‌دانند. آزمون آماری دومتغیره میان تعداد ایدئال فرزندان با متغیر قومیت در سطح معناداری ۰/۰۰۰۵ نشان از تفاوت معنادار میان گروه‌های قومی در تعداد ایدئال فرزندان دارد.

جدول ۱- توزیع تعداد ایدئال فرزند در میان جوانان مجرد ۱۸ تا ۳۴ ساله به تفکیک گروه‌های قومی

Table 1- Distribution of ideal number of children among single young people aged 18 to 34 by ethnic group

گروه‌های قومی	اندازه ایدئال فرزندان					میانگین ایدئال فرزندان
	بی‌فرزندگی	۱ فرزند	۲ فرزند	۳ فرزند و بیشتر	کل	
فارس	۲.۴	۱۲	۲۲.۲	۱۰.۸	۴۷.۵	۱.۸۷
ترک	۰.۶	۵.۲	۸	۲.۷	۱۶.۶	۱.۷۷
کرد	۰.۳	۱.۸	۳.۵	۲.۵	۸.۱	۲.۰۱
لر	۰.۲	۱.۹	۴.۱	۳	۹.۲	۲.۰۸
عرب	۰.۱	۰.۹	۲.۳	۱	۴.۳	۱.۹۹
شمالی	۰.۳	۳.۷	۶.۱	۲	۱۲.۱	۱.۸۰
بلوچ	۰	۰.۲	۰.۹	۱.۲	۲.۳	۲.۴۵
کل	۳.۹	۲۵.۸	۴۷.۱	۲۳.۲	۱۰۰	۱.۸۹
آزمون آماری	F=12.592 Sig= 0.0005 Eta=0.156					Chi-square=104.272 Sig=0.0005 Cramer's V= 0.107
سطح معناداری						

آزمون‌های دومتغیره میان تعداد ایدئال فرزندان با متغیرهای جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جدول (۲) نشان می‌دهد که تفاوت‌های معناداری در ایدئال فرزندآوری پاسخ‌گویان با سطوح مختلف تحصیلی (بی‌سواد، ابتدایی، دیپلم و دانشگاهی)، بین شاغلین و افراد غیرشاغل، بین روستانشین‌ها و شهرنشین‌ها، بین افراد شیعه و اهل سنت و بین سطوح مختلف دینداری و میزان شادی

وجود دارد. تفاوت معناداری بین ایدئال‌های فرزندآوری زنان و مردان، نسل‌های موالید دهه ۶۰ و ۷۰ و همچنین سطوح مختلف رضایتمندی از زندگی وجود ندارد. بیشترین میانگین ایدئال فرزندان متعلق به افراد بی‌سواد با (۲/۶۴ فرزند)، غیرشاغلین با (۲/۰۹ فرزند)، روستانشین‌ها با (۲/۱۶ فرزند)، اهل سنت با (۲/۲۴ فرزند) و افرادی با میزان دینداری بالا (۲/۰۹ فرزند) است.

جدول ۲- توزیع میانگین تعداد ایدئال فرزند بین جوانان مجرد ۱۸ تا ۳۴ ساله برحسب متغیرهای جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

Table 2- Distribution of the average ideal number of children among single young people aged 18 to 34 according to demographic, economic, social and cultural variables

متغیر	طبقات	میانگین تعداد ایدئال فرزند	F	p	آزمون آماری
سطح تحصیلات	بی سواد	۲/۶۴	۵/۷۷۴	۰/۰۰۱	
	ابتدایی	۲/۳۳			
	دیپلم	۲/۰۴			
	دانشگاهی	۱/۹۸			
وضع فعالیت	شاغل	۱/۹۴	۱۴/۶۹۱	۰/۰۰۱	
	غیرشاغل	۲/۰۹			
محل سکونت	روستا	۲/۱۶	۱۶/۹۵۵	۰/۰۰۱	
	شهر	۱/۹۷			
نسل موالید	دهه ۶۰	۱/۹۹	۱/۳۸۰	۰/۲۴۰	
	دهه ۷۰	۲/۰۴			
جنس	مرد	۲/۰۱	۰/۹۶	۰/۷۵۶	
	زن	۲/۰۲			
مذهب	شیعه	۲/۰۱	۱۴/۶۹۶	۰/۰۰۱	
	اهل سنت	۲/۲۴			
	کم	۱/۴۶			
میزان دینداری	متوسط	۱/۸۳	۳۹/۵۶۰	۰/۰۰۱	
	زیاد	۲/۰۹			
	کم	۱/۹۶			
میزان رضایت از زندگی	متوسط	۲/۰۲	۰/۹۴۵	۰/۳۸۹	
	زیاد	۲/۰۴			
	کم	۱/۹۲			
میزان شادی	متوسط	۲/۰۱	۴/۵۰۱	۰/۰۱۱	
	زیاد	۲/۰۹			

(P سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است)

تحلیل چندمتغیره داده‌ها در جدول (۳) و مدل (۱) نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان میانگین ایدئال فرزندان گروه قومی فارس با گروه‌های قومی ترک، لر و بلوچ وجود دارد و این تفاوت با قوم بلوچ از همه گروه‌های قومی بیشتر است. در مدل (۲) با کنترل متغیرهای جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی مثل سطح تحصیلات، وضع فعالیت، محل سکونت، جنس، مذهب و نسل موالید همچنان تفاوت معناداری را در تعداد ایدئال فرزندان بین گروه قومی فارس با قومیت‌های ترک و بلوچ شاهد هستیم. بیشترین اثر در ایجاد این تفاوت‌ها در میان مجردین ۱۸ تا ۳۴ متعلق به وضعیت شغلی است. در مدل (۳)

علاوه بر متغیرهای جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی، متغیرهای فرهنگی چون میزان دینداری، میزان رضایت از زندگی و میزان شادی در میان پاسخ‌گویان وارد مدل شد که یافته‌ها نشان می‌دهد با کنترل متغیرهای فرهنگی مذکور همچنان گروه قومی فارس تفاوت معناداری در تعداد ایدئال فرزندان با دو قوم ترک و بلوچ دارند. در این مدل وضعیت شغلی و میزان دینداری جوانان مجرد ۱۸ تا ۳۴ ساله اثر و تفاوت معناداری را در تمایل و نگرش آنها به فرزندآوری ایجاد می‌کند؛ به گونه‌ای که افراد شاغل از غیرشاغلین ۷ درصد ایدئال فرزندآوری کمتری دارند و افراد با میزان دینداری کم در حدود ۲۹ درصد ایدئال

فرزندآوری کمتری به افراد با میزان دینداری زیادت‌ر دارند.

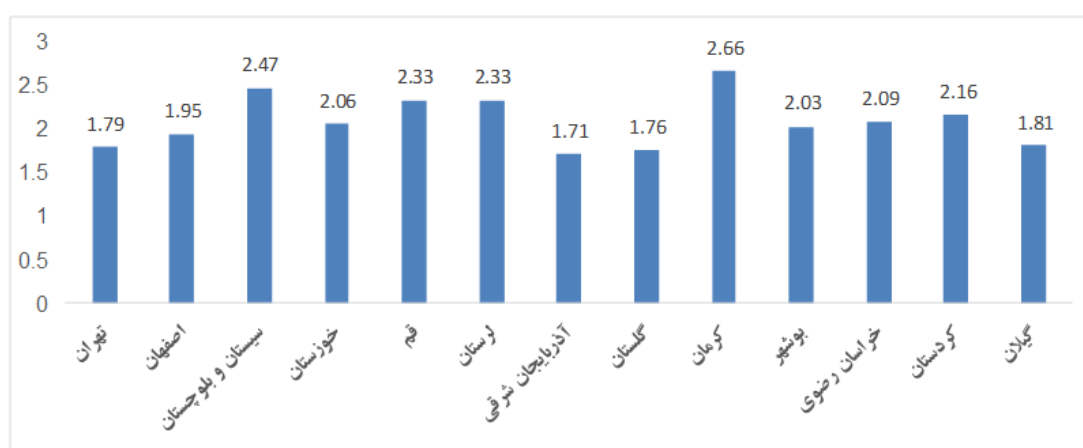
جدول ۳- نتایج تحلیل رگرسیون پواسون چندمتغیره برای تبیین تفاوت ایدئال‌های فرزندآوری جوانان گروه‌های قومی

Table 3- Results of multivariate Poisson regression analysis to explain differences in childbearing ideals among young people of different ethnic groups.

مدل (۳)		مدل (۲)		مدل (۱)		طبقات	متغیر
p	EXP (B)	p	EXP (B)	p	EXP (B)		
۰/۰۰۱	۲/۱۳۴	۰/۰۰۱	۲/۱۱۹	۰/۰۰۱	۲/۰۰۸		عرض از مبدأ
۰/۲۶۹	۰/۹۴۵	۰/۱۶۲	۰/۹۳۳	۰/۳۰۸	۰/۹۵۸	شمالی	
۰/۰۲۸	۰/۹۱۶	۰/۰۱۳	۰/۹۰۶	۰/۰۱۶	۰/۹۱۲	ترک	
۰/۳۷۳	۱/۰۵۹	۰/۴۶۶	۱/۰۴۷	۰/۰۹۷	۱/۰۸۲	کرد	
۰/۸۲۲	۰/۹۸۵	۰/۸۶۵	۰/۹۸۹	۰/۸۵۸	۱/۰۱۲	عرب	قومیت
۰/۰۲۸	۱/۲۳۹	۰/۰۲۶	۱/۲۴۱	۰/۰۰۱	۱/۳۶۰	بلوچ	
۰/۲۰۴	۱/۰۶۶	۰/۱۷۱	۱/۰۶۹	۰/۰۲۱	۱/۱۰۸	لر	
						فارس (مرجع)	
۰/۴۱۱	۱/۱۲۷	۰/۴۰۲	۱/۱۲۶			بی سواد	
۰/۴۰۴	۱/۰۷۰	۰/۳۷۳	۱/۰۷۴			ابتدایی	سطح
۰/۹۴۹	۰/۹۹۸	۰/۸۰۳	۱/۰۰۷			دیپلم	تحصیلات
						دانشگاهی (مرجع)	
۰/۰۳۳	۰/۹۳۷	۰/۰۱۷	۰/۹۳۰			شاغل	وضع فعالیت
						غیر شاغل (مرجع)	
۰/۸۷۴	۰/۹۹۵	۰/۹۸۱	۰/۹۹۹			روستا	
						شهر (مرجع)	محل سکونت
۰/۲۲۶	۱/۰۳۶	۰/۵۲۵	۱/۰۱۸			دهه ۶۰	نسل مولید
						دهه ۷۰ (مرجع)	
۰/۵۰۰	۱/۰۲۳	۰/۲۰۵	۱/۰۴۲			مرد	
						زن (مرجع)	جنس
۰/۸۵۵	۰/۹۸۹	۰/۶۴۰	۰/۹۷۳			شیعه	مذهب
						اهل سنت (مرجع)	
۰/۰۰۱	۰/۷۱۶					کم	
۰/۰۱۵	۰/۸۹۶					متوسط	میزان دینداری
						زیاد (مرجع)	
۰/۳۵۲	۱/۰۵۰					کم	میزان رضایت از زندگی
۰/۲۰۲۰	۱/۰۴۷					متوسط	
						زیاد (مرجع)	
۰/۱۳۴	۰/۹۲۷					کم	میزان شادی
۰/۳۱۵	۰/۹۶۵					متوسط	
						زیاد (مرجع)	
۷۶/۳۷۹		۴۱/۷۲۱		۳۴/۲۸۸		Likelihood Ratiop	
۰/۰۰۱		۰/۰۰۱		۰/۰۰۱		AIC	
۸۱۴۶/۴۵۶		۸۳۳۳/۴۷۲		۹۱۹۸/۴۰۴			

باتوجه به اینکه استان‌های مطالعه‌شده نماینده‌ای از هفت گروه قومی مطالعه‌شده (فارس، ترک، کرد، لر، عرب، شمالی و بلوچ) در ایران هستند، وضعیت نگرش جوانان به تعداد ایدئال فرزند طبق یافته‌های نمودار (۱) نشان می‌دهد که جوانان ۱۸ تا ۳۴ ساله استان کرمان با میانگین تعداد ایدئال ۲/۶۶ فرزند بیشترین تمایل به فرزندآوری را در میان استان‌های مطالعه‌شده

در این تحقیق دارند. استان‌های سیستان و بلوچستان و قوم بلوچ با ۲/۴۷ فرزند و استان لرستان و قم هر دو با ۲/۳۳ فرزند در رتبه‌های بعدی قرار دارند. پایین‌ترین میانگین ایدئال فرزندآوری متعلق به استان آذربایجان شرقی و ترک‌ها با میانگین ۱/۷۱ فرزند است.



نمودار ۱- میانگین تعداد ایدئال فرزندان جوانان ۱۸ تا ۳۴ ساله استان‌های منتخب در سال ۱۳۹۸

Chart 1- Average ideal number of children for young people aged 18 to 34 in selected provinces in 2019

بحث و نتیجه

تحقیق حاضر با هدف بررسی وضعیت نگرش به فرزندآوری در میان مجردین ۱۸ تا ۳۴ ساله ایرانی باتوجه به گروه‌های قومی متنوع در ایران و با استفاده از داده‌های پیمایش ملی نگرش جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده در سال ۱۳۹۸ انجام شد. جوانان ۱۸ تا ۳۴ ساله در تمامی گروه‌های قومی بیشتر دوفرنزندی (۴۷/۱ درصد) را ایدئال دانسته‌اند. این یافته با نتایج تحقیق عباسی شوازی و دیگران (۱۳۹۷) مطابقت دارد. تمایل به تک‌فرزند در میان جوانان ایرانی در سال ۱۳۹۸ در حدود ۲۵/۸ درصد و تمایل به سه‌فرزند و بیشتر در حدود ۲۳/۲ درصد است. بیشترین میانگین ایدئال فرزند متعلق به گروه قومی بلوچ با ۲/۴۵ فرزند است که با یافته‌های تحقیق بگی (۱۴۰۰) همخوانی دارد. همچنین مطابق با تحقیق کول و هانمن (۲۰۱۶) و برخلاف تحقیق میلر و همکاران (۲۰۱۶) نقش آموزش و تحصیلات در تحقیق حاضر کم‌رنگ است؛ زیرا جامعه

آماري جوانان ۱۸ تا ۳۴ ساله‌ای هستند که به‌لحاظ سطح تحصیلي همگن هستند و اثر تحصیلات بر نگرش به فرزندآوری در میان آنها معنادار نخواهد بود. مطابق با پژوهش آدیوال (۲۰۱۹) متغیر قومیت اثر و تفاوت معناداری را در نگرش به ایدئال‌های فرزندآوری خواهد داشت؛ بنابراین، توجه به قومیت نقش مهمی را در سیاست‌های کاهش باروری دارد.

یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد که میزان دینداری از متغیرهای مهم و اثرگذار بر تمایل به فرزندآوری است و این نتیجه با پژوهش عباسی شوازی و دیگران (۱۳۹۷) مطابقت دارد. باتوجه به نتایج تحقیق حاضر، قومیت به‌عنوان سازه‌ای اجتماعی و فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری رفتارهای فرزندآوری دارد که این رویکرد با نتایج تحقیقاتی چون (صادقی و فراش، ۱۳۹۸؛ عباسی‌شوازی و دیگران، ۱۳۹۷؛ Adebowale, 2019; Kaufman & Skirbekk, 2012; Miller et al., 2016) مطابقت و همخوانی دارد. برطبق تئوری اشاعه، عوامل ارزشی و فرهنگی در تغییر ایدئال‌ها

و ترجیحات خانواده مهم هستند که این تحولات ارزشی در حوزه دینداری نیز در یافته‌های تحقیق نشان از تطابق کاهش دینداری با کاهش تمایل به فرزندآوری دارد. همچنین طبق تئوری دگرگونی ارزشی اینگلهارت تغییر تحولات ارزشی در جوانان از ارزش‌های فرامادی به ارزش‌های مادی اثرش را در تمایلات فرزندآوری در این تحقیق نیز از طریق کنترل متغیر دینداری به‌خوبی نشان می‌دهد. براساس تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده میزان رضایت از زندگی و میزان شادی در افراد بر مقاصد و تصمیمات باروری آنان اثرگذار است؛ اما پاسخ‌گویان در این تحقیق اثر و سهمی از این دو متغیر را در نگرش به ایدئال‌های فرزندآوری خود نشان نمی‌دهند.

فرزندآوری در حوزه خصوصی و در سطح خرد صورت می‌گیرد و به لحاظ تاریخی هرچه جلوتر آمده‌ایم، دایره این حوزه هم محدودتر شده است. به تعبیر دیگر، حق فرزندآوری در سرتاسر تاریخ به فامیل و خانواده و این روزها به زوجین، به‌خصوص زنان واگذار شده است. پیداست که در اتخاذ این تصمیمات و اجرایی کردن آنها، به‌طور متعارف نمی‌توان و نباید از زنان انتظار داشت که پیامدهای تصمیماتشان را برای جامعه در سطح کلان هم در نظر بگیرند؛ بنابراین، تصمیمات در سطح خرد در زمینه فرزندآوری ممکن است هزینه‌ها و مخاطراتی در سطح کلان برای جامعه ایجاد کند؛ ازاین‌رو، در تنظیم برنامه‌ها و سیاست‌های باروری در کشور، علاوه بر نقش متغیرها و عوامل اثرگذار سطح کلان باید متغیرهای اثرگذار بر سطح خرد نیز تحلیل و بررسی شوند. موفقیت سیاست‌ها و برنامه‌های افزایش باروری به بودجه و برنامه‌های اجرایی منسجم و پایدار از یک‌سو و شرایط اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها (نظیر سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی و سایر مشخصه‌ها) از سوی دیگر بستگی دارد. اگر سیاست‌ها توان پاسخ‌گویی به نیازهای مختلف افراد در موقعیت‌های متفاوت زندگی را داشته باشند، امکان اثرگذاری بیشتری بر افزایش باروری دارند؛ بنابراین، تأثیر بالقوه سیاست‌های حمایت از خانواده بر تصمیمات و رفتارهای فرزندآوری بستگی به این دارد که یک سیاست چگونه توسط مردم ادراک می‌شود و در رابطه با مسیر و دوران زندگی فعلی و آینده آنها چه چیزی را نشان می‌دهد و تا چه حد اثرگذار خواهد

بود. خانواده ایرانی همچنان فرزند را ارزشمند و مطلوب می‌داند؛ اما در عمل به علت چالش‌های ساختاری و نهادی و عدم حمایت‌های لازم، فرزندان کمتری را به دنیا می‌آورد. توجه به این نکته ضروری است که اگرچه قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در راستای برون‌رفت از چالش‌های مذکور است، حتماً این قانون باید با تکیه بر نگرش و تمایل خانواده ایرانی به فرزندآوری به‌روزرسانی شود و تسهیل شرایط فرزندپروری و رفع نگرانی خانواده‌ها از آینده فرزندان باید در آن دیده شود؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که در حوزه تحولات ارزشی و نگرشی افراد در سن فرزندآوری سیاست‌هایی در راستای فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن ارزش فرزند در خانواده مدنظر قرار گیرد؛ سیاست‌هایی چون آموزش‌های خانواده‌محور در مدارس و دانشگاه‌ها، فرهنگ‌سازی از طریق رسانه‌های جمعی، ارائه خدمات مشاوره به زوجین جوان، تقویت ارزش‌ها و باورهای دینی در حوزه خانواده و معرفی شاخص‌های خانواده مطلوب که می‌تواند الگویی برای جوانان باشد. همچنین در جهت کاربردی شدن تحقیقات در این حوزه مطالعاتی و باتوجه به تنوع رفتارهای فرزندآوری در قومیت‌ها و استان‌های کشور پیشنهاد می‌شود برای کمک به برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و استانی، مطالعه‌ای تطبیقی در رابطه با عوامل مؤثر بر تمایل به فرزندآوری در استان‌های کشور صورت پذیرد و استان‌ها براساس اولویت عوامل اثرگذار را طبقه‌بندی و برایشان برنامه‌ریزی کنند.

تشکر و قدردانی

از مرکز ایسا به جهت اینکه داده‌های پیمایش ملی نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده را در اختیار قرار دادند کمال تشکر و قدردانی را داریم.

منابع فارسی

ادیبی سده، م.، ارجمند سیاهپوش، ا. و درویش‌زاده، ز. (۱۳۹۰). بررسی میزان افزایش باروری و عوامل مؤثر بر آن در میان طایفه کرد ساکن اندیمشک. *مطالعات توسعه اجتماعی/ایران*، ۴(۱)، ۸۱-۹۸. <http://noo.rs/gqE28>

اینگلهارت، ر. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته

فرزندآوری: مطالعه‌ای کمی در شهر اسلام‌آبادغرب. علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۲۱(۱)، ۱۴۳-۱۷۴.
<https://doi.org/10.22067/social.2023.82737.1355>
 قربانی، ز. (۱۴۰۱). تحولات ترجیحات فرزندآوری و علل آن در ایران بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۴. مطالعات زن و خانواده، ۱۰(۳)، ۵۳-۷۶.
<https://doi.org/10.22051/jwfs.2022.33157.2530>
 مکنونی، ز.، علی‌دوستی، م.، شفاعیان، م.، و همتی، ف. (۱۴۰۲). عوامل مؤثر بر فرزندآوری در مادران تک‌فرزند و چندفرزند: یک مطالعه مقایسه‌ای. مجله پرستاری و مامایی، ۲۱(۵)، ۳۸۵-۳۹۳.
<https://www.sid.ir/paper/1096326/fa>
 منصوریان، س. م. ک. (۱۳۸۰). تبیین انتقال باروری. علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۱۶(۲)، ۲۵-۴۸.

Resources

- Adibi-Sadeh, M., Arjomandsiahposh, E., & Darvishzadeh, Z. (2011). Study of the rate of fertility increase and its influencing factors among the Kurdish tribe living in Andimeshk. *Journal of Iranian Social Development Studies*, 4(1), 81-98. [In Persian]. <http://noo.rs/gqE28>
- Abbasi, Z., Keshavarz, Z., Abbasi-Shavazi, M. J., & Ebadi, A. (2018). Explaining the factors affecting reproductive behavior from the perspective of experts: A qualitative study. *Koomesh Journal*, 21(1), 155-163. [In Persian]. <http://koomeshjournal.semums.ac.ir/article-1-4001-fa.html>
- Abbasi-Shavazi, M. J., Mahmoudian, H., Sadeghi, R., & Ghorbani, Z. (2018). The effect of value-attitudinal orientations on childbearing ideals in Iran. *Iranian Demographic Association Letter*, 13(26), 37-66. [In Persian]. https://www.jpaiassoc.ir/article_37994.html
- Abbasi-Shavazi, M. J., & Hosseini-Chavoshi, M. (2012). Population trends and policies in Iran: A necessity for a comprehensive national population plan. *Iranian Demographic Association*, 13, 95-117. [In Persian]. <http://noo.rs/g4N0B>
- Alidoosti, H., Safarian, M., & Khajeh, A. (2014). Childbearing incentive policies and their impact on the desire to have children: A quantitative study in the city of Islamabad-e Gharb. *Journal of Social Sciences of Ferdowsi University of Mashhad*, 21(1), 143-174. [In Persian]. <https://doi.org/10.22067/social.2023.82737.1355>
- Abbasi-Shavazi, M. J., Morgan, S. P., Hossein-Chavoshi, M., & McDonald, P. (2009). Family change and continuity in Iran: Birth control

صنعتی (مریم وتر، مترجم). وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
 بگی، م. (۱۴۰۰). تمایل به بی‌فرزندگی و تک‌فرزندگی در میان زوجین تازه ازدواج کرده در ایران. پایش، ۲۱(۱)، ۶۹-۷۹.
<http://payeshjournal.ir/article-1-1741-fa.html>
 بهمنش، ف. و تقی‌زاده، ز. (۱۳۹۴). رفتار باروری زنان در الگوهای همسرگزینی: مطالعه ترکیبی توضیحی متوالی [رساله دکترای منتشر نشده]. دانشگاه علوم پزشکی تهران.
 حسین‌زاده، ع. ح.، نوح‌جاء، ص. و شریفی، س. م. (۱۳۸۹). بررسی الگوی باروری سن ازدواج و استفاده از روش‌های تنظیم خانواده در بین اقوام مختلف شهرستان اهواز در سال ۱۳۸۸. علوم اجتماعی، ۴(۸)، ۶۷-۹۶.
 ساویدان، پ. (۱۴۰۱). تعدد فرهنگی (مهرگان نظامی‌زاده، مترجم). چاپ سوم. نشر ثالث.
 شمس قهفرخی، ف.، عسکری‌ندوشن، ع.، عینی‌زیناب، ح.، روحانی، ع. و عباسی‌شوازی، م. ج. (۱۴۰۱). در دو راهی تصمیم به فرزندآوری: واکاوی چالش‌های فردی و اجتماعی فرزندآوری در بستر باروری پایین در شهر اصفهان. جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۳(۴)، ۱-۲۸.
<https://doi.org/10.22108/jas.2022.132711.2269>
 صادقی، ر. و فراش، ن. (۱۳۹۸). تفاوت‌های قومی در ارزش و ترجیح فرزند زنان در شهر ماکو. پرستاری و مامایی، ۱۷(۲)، ۱۳۱-۱۴۰.
<http://unmf.umsu.ac.ir/article-1-3526-fa.html>
 عباسی، ز.، کشاورز، ز.، عباسی‌شوازی، م. ج. و عبادی، ع. (۱۳۹۷). تبیین عوامل تأثیرگذار بر رفتار باروری از دیدگاه متخصصین: یک مطالعه کیفی. کومش، ۲۱(۱)، ۱۶۳-۱۵۵.
<http://koomeshjournal.semums.ac.ir/article-1-4001-fa.html>
 عباسی‌شوازی، م. ج.، محمودیان، ح.، صادقی، ر. و قربانی، ز. (۱۳۹۷). تأثیر جهت‌گیری‌های ارزشی-نگرشی بر ایدئال‌های فرزندآوری در ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۳(۲۶)، ۳۷-۶۶.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.1735000.1397.13.26.2.4>
 علی‌دوستی، ح.، صفاریان، م. و خواجه، ا. (۱۴۰۳). سیاست‌های تشویقی فرزندآوری و تأثیر آن بر تمایل به

- <https://doi.org/10.1111/j.1728-4457.2011.00391.x>
- Inglehart, R. (1994). *Cultural transformation in advanced industrial society* (M. Weter, Trans.). Ministry of Culture and Islamic Guidance, Center for Cultural Studies and Research. [In Persian].
- Kaufman, E. P., & Skirbekk, V. (2012). Go forth and multiply: The politics of religious demography. In J. A. Goldstone, E. P. Kaufmann, & M. Duffy Toft (Eds.), *Political Demography: How Population Changes Are Reshaping International Security and National Politics* (pp. 194-212). Oxford University Press USA. <https://www.sneps.net/RD/uploads/1-Kaufmann&Skirbekk-draft1.pdf>
- Kulu, H., & Hannemann, T. (2016). Why does fertility high among certain UK-born ethnic minority women? *Demographic Research*, 35, 1441-1488. <https://doi.org/10.4054/DemRes.2016.35.49>
- Lesthaeghe, R., & Surkyn, J. (1988). Cultural dynamics and economic theories of fertility change. *Population and Development Review*, 14(1), 1-45. <http://www.jstor.org/stable/1972499>
- Lutz, W., & Skirbekk, V. (2005). Policies addressing the tempo effects of low-fertility countries. *Population and Development Review*, 31(4), 699-720. <https://doi.org/10.1111/j.1728-4457.2005.00094.x>
- Mansoorian, M. K. (2001). Explaining reproductive transfer. *Shiraz University Social and Human Sciences Journal*, 16(2), 25-48. [In Persian]. <https://www.sid.ir/paper/13386/fa>
- Miller, W., Jones, J., & Pasta, D. (2016). An implicit ambivalence-indifference dimension of childbearing desires in the national survey of family growth. *Demographic Research*, 34, 203-242. <https://doi.org/10.4054/DemRes.2016.34.7>
- Makondi, Z., Alidosti, M., Shafaeiyan, M., & Hemati, F. (2023). Factors affecting childbearing in mothers of one and multiple children: a comparative study. *Journal of Nursing and Midwifery*, 5(21), 385-393. [In Persian]
- Morgan, S. P., & Taylor, M. G. (2006). Low fertility at the turn of the twenty-first century. *Annual Review of Sociology*, 32, 375-399. <https://doi.org/10.1146/annurev.soc.31.041304.122220>
- Morgan, S. P., & Rackin, H. (2010). The correspondence between fertility intentions and behavior in the United States. *Population and Development Review*, 36(1), 91-118. <https://doi.org/10.1111/j.1728-4457.2010.00319.x>
- Saskia, H., Anne, G., Joshua, G., & Buhler, C. (2011). Fertility preferences: What measuring second choices teaches us. *Vienna Yearbook of Population Research*, 9, 131-156. https://austriaca.at/0xc1aa500e_0x002a70f9.pdf
- Savidan, P. (2022). *Cultural Pluralism* (M. Nezamizadeh, Trans.). Third Edition. Sales Publishing. [In Persian].
- Sadeghi, R., & Farash, N. (2019). Ethnic differences in use before first pregnancy. *Journal of Marriage and Family*, 71(5), 1309-1324. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2009.00670.x>
- Adebowale, A. S. (2019). Ethnic disparities in fertility and its determinants in Nigeria. *Fertility Research and Practice*, 5(3), 1-16. <https://doi.org/10.1186/s40738-019-0055-y>
- Ajzen, I. (2005). *Attitudes, personality and behavior*. (2nd ed.). Maidenhead, Open University Press.
- Ajzen, I. (1991). The theory of planned behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50(2), 179-211. [http://dx.doi.org/10.1016/0749-5978\(91\)90020-T](http://dx.doi.org/10.1016/0749-5978(91)90020-T)
- Bagi, M. (2022). Childlessness and one-child intentions among recently married couples in Iran. *Payesh*, 21(1), 69-79. [In Persian]. <http://payeshjournal.ir/article-1-1741-fa.html>
- Bahmanesh, F., & Taghizadeh, Z. (2015). *Women's reproductive behavior in mate selection patterns: A sequential explanatory mixed study [Unpublished doctoral dissertation]*. Tehran University of Medical Sciences. [In Persian]
- Becker, G. S. (1981). *A treatise on the family*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Berrington, A. (2004). Perpetual postponers? Women's, men's and couple's fertility intentions and subsequent fertility behaviour. *Population Trends*, 117, 9-19. <https://eprints.soton.ac.uk/34148/1/BerringtonPopTrends2004.pdf>
- Bongaarts, J. (2001). Fertility and reproductive preferences in post-transitional societies. *Population and Development Review*, 27, 260-281. <https://u.demog.berkeley.edu/~jrw/Biblio/Eprints/Tempo/bongaarts.2001.pdf>
- Castro, A., & Parrado, E. (2021). Nativity differentials in first births in the United States: Patterns by race and ethnicity. *Demographic Research*, 46, 37-64. <https://doi.org/10.4054/DemRes.2022.46.2>
- Cleland, J., & Wilson, C. (1987). Demand theories of the fertility transition: An iconoclastic view. *Population Studies*, 41(1), 5-30. <https://doi.org/10.1080/0032472031000142516>
- Ghorbani, Z. (1401). Changes in childbearing preferences and their causes in Iran between 2004 and 2015. *Quarterly Journal of Women and Family Studies*, 10(3), 53-76. [In Persian]. doi: 10.22051/JWFS.2022.33157.2530
- Hosseinizadeh, A. H., Noohjah, S., & Sharifi, M. (2010). Study of the fertility pattern of marriage age and the use of family planning methods among different ethnic groups in Ahvaz city in 2009. *Journal of Social Sciences*, 4(8), 67-96. [In Persian]. <http://noo.rs/vL7u3>
- Iacovou, M., & Tavares, L. P. (2011). Yearning, learning, and conceding: reasons men and women change their childbearing intentions. *Population and Development Review*, 37(1), 89-123.

- the value and preference of women's children in the city of Maku. *Journal of Urmia School of Nursing and Midwifery*, 17(2), 131-140. [In Persian]. <http://unmf.umsu.ac.ir/article-1-3526-fa.html>
- Schoen, R., Astone, N. M., Kim, Y. J., Nathanson, C. A., & Fields, J. M. (1999). Do fertility intentions affect fertility behavior? *Journal of Marriage and the Family*, 61(3), 790-799. <https://u.demog.berkeley.edu/~jrw/Biblio/Eprints/%20P-S/schoen.etal.1999.pdf>
- Shams Gahfarokhi, F., Askari-Nodoushan, A., Eini-Zeinab, H., Ruhani, A., & Abbasi-Shavazi, M. J. (2022). At the crossroad of decision to have children: An analysis of individual and social childbearing challenges in the context of low fertility in Isfahan. *Journal of Applied Sociology*, 33(4), 1-28. [In Persian]. <https://doi.org/10.22108/jas.2022.132711.2269>
- Speder, Z., & Kapitany, B. (2009). How are time-dependent childbearing intentions realized? Realization, postponement, abandonment, bringing forward. *European Journal of Population*, 25, 503-523. <https://doi.org/10.1007/s10680-009-9189-7>
- Spéder, Z., Murinkó, L., & Oláh, L. S. (2020). Cash support vs. tax incentives: The differential impact of policy interventions on third. Births in Contemporary Hungary. *Population Studies*, 74(1), 39-54. <https://doi.org/10.1080/00324728.2019.1694165>
- Thornton, A., Binstock, G., Yount, K. M., Abbasi-Shavazi, M. J., Ghimiri, D. J., & Xie, Y. (2012). International fertility change: New data and insights from the developmental idealism framework. *Demography*, 49(2), 677-698. <http://dx.doi.org/10.1007/s13524-012-0097-9>
- Van de Kaa, D. J. (2001). Postmodern fertility preferences: From changing value orientation to new behaviour. *Population and Development Review*, 27, 290-331. <https://sid.ir/paper/613181/en>